Vol. 13 | No. 3402 | Sun. Sep 6 . 2026 | یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ | ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۰۲ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

مسعود پزشکیان در آیین افتتاح و بهره‌برداری از مجتمع آموزشی و فرهنگی سپهبد شهید محمد باقری:

نباید به وضع موجود قانع باشیم

صفحه ۲

«تعادل» از معمای انرژی گزارش می‌دهد

وقتی شدت مصرف امنیت انرژی را تهدید می‌کند

صفحه ۳

محیط کسب‌وکار یک گام دیگر نامساعدتر شد

بهار سخت بنگاه‌ها

تعادل | فضای فعالیت اقتصادی در بهار ۱۴۰۵ نه‌تنها نشانه‌ای از بهبود نداشت، بلکه یک گام دیگر از شرایط مطلوب فاصله گرفت. تازه‌ترین نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار که از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران منتشر شده، نشان می‌دهد شاخص ملی محیط کسب‌وکار در این فصل به ۶،۲۳ رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با ۶،۲۰ در زمستان ۱۴۰۴ افزایش یافته و با توجه به ساختار شاخص، بیانگر نامساعدتر شدن شرایط فعالیت بنگاه‌هاست. این وضعیت در مقایسه سالانه نیز تصویر چندان امیدوارکننده‌ای ارایه نمی‌دهد. شاخص محیط کسب‌وکار در بهار سال گذشته ۵،۹۵ بود که در بهار ۱۴۰۵ به ۶،۲۳ رسیده است. به این ترتیب، دشواری فعالیت اقتصادی در فاصله یک سال افزایش یافته است. از سوی دیگر، شاخص پایش محیط کسب‌وکار آخرین بار در سال ۱۳۹۷ به بالاتر از سطح ۶،۲۰ رسیده بود؛ بنابراین قرار گرفتن شاخص بهار ۱۴۰۵ در سطح ۶،۲۳ از منظر روند تاریخی نیز قابل توجه است. در همین حال، شاخص اثرگذاری جنگ بر کسب‌وکارها در بهار ۱۴۰۵ به ۷،۸۷ رسیده است؛ رقمی که نشان می‌دهد پیامدهای جنگ، در کنار ناطمینانی‌های اقتصادی، فشار قابل توجهی بر فعالیت بنگاه‌ها وارد کرده است. بررسی وضعیت سه بخش اصلی اقتصاد نشان می‌دهد فشارهای موجود بر محیط کسب‌وکار در همه بخش‌ها شدت یکسانی نداشته است. در بهار ۱۴۰۵، شاخص محیط کسب‌وکار در بخش کشاورزی به ۶،۲۳ رسید؛ در حالی که این رقم در زمستان ۶،۰۳ بود. به این ترتیب، کشاورزی در میان سه بخش اصلی اقتصاد نامساعدترین وضعیت را تجربه کرده و فاصله آن با شرایط بهار سال قبل نیز افزایش یافته است. در بخش خدمات نیز شرایط نامساعدتر شده است. شاخص محیط کسب‌وکار این بخش از ۶،۱۱ در زمستان به ۶،۲۱ در بهار رسیده است. خدمات علاوه بر وخامت شرایط نسبت به فصل قبل، از نظر تغییر سالانه نیز افزایش شاخص بیشتری نسبت به دو بخش دیگر داشته است. اما صنعت روند متفاوتی را ثبت کرده است. شاخص محیط کسب‌وکار این بخش از ۶،۱۷ در زمستان به ۶،۱۳ در بهار کاهش یافته و صنعت به این ترتیب تنها بخش اصلی اقتصاد بوده که نسبت به فصل قبل اندکی بهبود داشته است. با این حال، کاهش شاخص صنعت نباید به معنای خروج این بخش از شرایط دشوار تلقی شود. شاخص صنعت همچنان در مقایسه با ۵،۸۸ در بهار سال گذشته در سطح بالاتری قرار دارد. بنابراین، تفاوت میان عملکرد فصلی و سالانه صنعت اهمیت زیادی دارد. کاهش شاخص در مقایسه با زمستان را می‌توان بیشتر به معنای کاهش بخشی از فشارهای موجود دانست، نه بازگشت صنعت به شرایط مطلوب. در واقع، هنگامی که شاخص یک بخش نسبت به فصل قبل اندکی کاهش پیدا می‌کند...

صفحه ۷ را بخوانید

«تعادل» در گفت‌وگو با مجیدرضا حریری وضعیت نهایی محاصره را بررسی می‌کند

شکست واشنگتن در بازی «تاب‌آوری»

باید دید چه کسی بیشتر می‌تواند ضربه بخورد و همچنان ایستاده بماند؟

زهرا سلیمانی | در حالی که فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مسیرهای آبی، چالش‌های جدی در تجارت خارجی ایران ایجاد کرده است، تحلیلگران معتقدند این محاصره نه از نظر عملیاتی و نه از نظر اقتصادی، قابلیت تداوم در بلندمدت را ندارد. مجید رضا حریری، تحلیلگر مسائل اقتصادی و بین‌المللی در گفت‌وگو با «تعادل» به بررسی آسیب‌پذیری‌های سیستم تجاری، پیامدهای جهانی انسداد تنگه هرمز و استراتژی خطرناک امریکا برای ایجاد شکاف‌های اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه ایران می‌پردازد.

■ طی هفته‌های اخیر بحث‌های مختلفی پیرامون وضعیت تجارت خارجی ایران، از جمله کاهش ۳۵ درصدی صادرات و واردات مطرح شده است. با توجه به این چالش‌ها، برای بهبود وضعیت تجارت خارجی و مقابله با گزاره‌هایی که این روند را تشدید می‌کنند، چه راهکارهایی باید اتخاذ شود؟

ابتدا باید یک تمایز مهم قائل شویم؛ ما در حوزه «تجارت خارجی» به معنای کلی آن، دچار مشکل نیستیم، بلکه مشکل اصلی ما در «مسیرهای انتقال» کالا است. حقیقت این است که مبادی ورودی آبی ایران، به دلیل تنش‌های نظامی و تحریم‌ها، تحت فشار شدیدی قرار گرفته‌اند. البته ما از سال‌های گذشته راهکارهای جایگزین مانند مسیرهای زمینی یا استفاده از بنادر کشورهای همسایه را در دستور کار داشته‌ایم، اما باید واقع‌بین باشیم؛ این مسیرها صرفا «راه فرعی» هستند و ظرفیت آنها هرگز به سطح تجارت انبوه و استاندارد که پیش از محاصره از طریق بنادر جنوبی داشتیم، نمی‌رسد. لجستیک موجود در مسیرهای زمینی، هنوز آن پیچیدگی و ظرفیت مورد نیاز برای جایگزینی کامل تجارت دریایی را ندارد و همین مساله باعث شده هزینه‌های حمل و نقل به شدت افزایش یابد. جایگزینی عادت‌ها و زیرساخت‌های لجستیکی که برای بیش از یک قرن بر بنادر جنوبی متمرکز بوده، فرآیندی نیست که در کوتاه‌مدت با یک تصمیم یا یک تغییر سیاست انجام شود. ما باید از این تجربه درس بگیریم تا برای آینده، زیرساخت‌های جایگزین را با قدرت بیشتری بسازیم، اما در حال حاضر، ما در یک تنگنای گذار هستیم.

■ شما پیش‌تر اشاره کردید که این محاصره، نه در کوتاه‌مدت می‌تواند کشور را از پا درآورد و نه در بلندمدت می‌تواند تداوم یابد. چرا معتقدید واشنگتن در این بازی شکست خواهد خورد؟

از دو منظر به این موضوع می‌نگرم: منظر عملیاتی و منظر اقتصادی - جهانی. از نظر عملیاتی، تداوم یک محاصره شدید و تمام‌عیار که بتواند جریان تجارت را به‌طور کامل متوقف کند، برای ایالات متحده «نشدنی» است. اما نکته مهم‌تر، تبعات این محاصره است. این محاصره، برخلاف تصور واشنگتن، فقط به ایران آسیب نمی‌زند؛ بلکه تمام اقتصاد جهانی از جمله امریکا را درگیر می‌کند. ما شاهد هستیم که قیمت نفت برای مدت‌ها در سطوح بالای ۸۰ و ۸۵ دلار باقی مانده است. این قیمت، نه تنها فشار بر اقتصادهای مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد، بلکه زنجیره تولید جهانی را نیز مختل می‌کند؛ از نهاده‌های کشاورزی و کودگرفته تا گازهای صنعتی و حتی مواد حیاتی مانند هلیوم که در صنایع پیچیده الکترونیک کاربرد دارند تحت تاثیر تنش‌های منطقه‌ای هستند. وقتی نرخ مواد غذایی به رکوردهای بی‌سابقه می‌رسد و همه رکوردهای قبلی را می‌شکند (حتی رکوردهایی که در دوران کرونا و جنگ اوکراین دیدیم) کل سیستم اقتصادی جهان دچار شوک می‌شود. بنابراین، امریکا در واقع با فشار بر ایران، در حال بازی با آتش در خانه خودش و سایر اقتصادهای بزرگ است. این یک بازی «زیان‌محور» برای همه است و در بلندمدت، هیچ قدرتی نمی‌تواند این حجم از بی‌ثباتی جهانی را تحمل کند.

■ شما قبلا این تقابل را در قالب یک استعاره تحلیل کردید. در واقع این چالش‌ها را به یک مسابقه بوکس تشبیه کردید. این استعاره چگونه وضعیت فعلی را توصیف می‌کند؟

بله، این یک مثال بسیار دقیق است. این تقابل، یک مسابقه فوتبال نیست که در آن اگر در دقایق پایانی از رقیب عقب باشید، با یک حرکت یا یک گل ناگهانی بتوانید بازی را عوض کنید. این یک مسابقه بوکس حرفه‌ای است؛ ۱۲ راند. در یک مسابقه بوکس، شما ممکن است ۱۱ راند را با امتیاز عقب باشید، ضربات سنگینی بخورید، حتی اگر در رانده‌هایی ضربه فنی شوید یا به زمین بخورید، باز هم می‌توانید بلند شوید و ادامه بدهید.

ادامه در صفحه ۳

«تعادل» بررسی می‌کند

چالش نرخ بهره در بورس

نرخ سود بازار بین‌بانکی طی روزهای اخیر به محدوده ۲۴ درصدی رسید؛ این سطح نه‌تنها برای شبکه بانکی یک سیگنال بسیار مهم به‌حساب می‌آید؛ بلکه می‌تواند بازار سرمایه را به‌صورت مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس تجربه افزایش نرخ بهره معمولاً از دو مسیر مختلف بر بورس فشار وارد می‌کند؛ نخست با افزایش نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران و کاهش ارزش فعلی جریان نقدینگی شرکت‌ها و دومین مورد نیز با جذاب‌تر شدن گزینه‌های کم‌ریسک در برابر بازار سهام؛ به بیان ساده‌تر در شرایطی که ریسک بورس افزایش یافته سرمایه‌گذاران به‌دنبال گزینه کم‌ریسک با سود بالاتر هستند. نرخ سود در بازار پول یکی از متغیرها است؛ درست است این موضوع به‌صورت مستقیم روی بازار و صورت مالی اثر نمی‌گذارد؛ اما می‌توان اثر این موضوع را در بخش‌های...

صفحه ۴ را بخوانید

رشد قیمت مسکن بدون رونق رکود بدون کاهش قیمت

مسکن جامانده از دلار یا گرفتار در تله قدرت خرید؟

دلار، طلا و سکه در موج‌های تورمی بارها جلوتر از مسکن حرکت کرده‌اند، اما این به معنای آماده‌بودن بازار ملک برای یک جهش جدید نیست؛ در تهران، قیمت‌ها در چند مرحله افزایش یافته و میانگین رشد قیمت‌ها از ۱۰۰ میلیون تومان عبور کرده، اما رییس اتحادیه مشاوران املاک می‌گوید قدرت خرید خانوار، تسهیلات ناکافی و درآمدها دیگر اجازه افزایش بیشتر قیمت را نمی‌دهد. حالا سوال این است: مسکن واقعاً از بازارهای رقیب جا مانده یا مردم از بازار مسکن جا مانده‌اند؟ بازار مسکن در ظاهر گران شده، اما در عمل همچنان با رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. همین تناقض، مهم‌ترین نشانه وضعیت امروز بازار ملک است؛ بازاری که فروشنده برای قیمت‌های بالاتر آماده است، اما خریدار...

صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت-۳

بازار سرمایه در برابر نرخ بهره

فردین آقابزرگی

در حالی که اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند، موضوع تعیین نرخ بهره بانکی و شکاف عمیق میان نرخ اسمی و واقعی آن، به یکی از محورهای اصلی بحث‌های اقتصادی تبدیل شده است. کارشناسان معتقدند این شکاف، علاوه بر ایجاد رانت و انحراف در تخصیص منابع می‌تواند ثبات اقتصادی را نیز به‌طور جدی تهدید کند.

یکی از مباحث مطرح شده در فضای اقتصادی ایران، مقوله «قیمت‌گذاری دستوری» است. در حالی که در اقتصادهای آزاد، نرخ بهره بر اساس تحلیل متغیرهای اقتصادی و سیاست‌های پولی تعیین می‌شود، در ایران شاهد هستیم که مراجع قانونگذار، ذهنیت و تصویری از یک قیمت‌گذاری دستوری را منتقل می‌کنند. در اکثر کشورهای پیشرو با اقتصاد آزاد، بانک مرکزی نرخ بهره را بر اساس تحلیل‌های دقیق اقتصادی و سیاست‌های پولی اعلام می‌کند؛ برای مثال، ممکن است اعلام شود نرخ بهره ۰.۲ یا ۰.۵ درصد افزایش یا کاهش خواهد یافت. اما این نرخ بهره اعلامی در دنیا، با آنچه ما تحت عنوان «بهره اسمی» و «بهره حقیقی» در ایران تجربه می‌کنیم، بسیار متفاوت است.

در حال حاضر، یکی از مبانی تعیین نرخ بهره واقعی، نرخ موثر اوراق بدهی در بورس اوراق بهادار است. حتی خود بانک مرکزی نیز به نرخ اوراق بدهی در بازار عملیات بازار باز (OMO) اذعان دارد که بین ۳۸ تا ۴۱ درصد در نوسان است. با این حال، تعیین یک نرخ بهره اسمی ۲۴ درصدی برای تسهیلات بانکی، در حقیقت نوعی رانت پنهان را ایجاد می‌کند. این نرخ پایین‌تر از نرخ واقعی اوراق، مبنایی برای اعطای تسهیلات بانکی نیز قرار می‌گیرد و اینجاست که شکاف میان نرخ اسمی و واقعی، زمینه را برای رانت‌خواری فراهم می‌کند.

وضعیت به همین جا ختم نمی‌شود. بسیاری از بانک‌ها، بر اساس بندهای خاص و اعطای نرخ ترجیحی، همین الان نیز تسهیلاتی را با نرخ‌های بالای ۳۰ درصد پرداخت می‌کنند. این امر به معنای آن است که نگهداری مبالغ قابل توجه، حتی برای یک ماه، می‌تواند سود سرشاری را برای برخی افراد یا نهادها به همراه داشته باشد. این فضای رانتی در بازار پول، یکی از مصادیق بارز عدم تعادل در اقتصاد ایران است.

افزایش نرخ بهره، به‌طور کلی، رابطه معکوس با بازار سرمایه و به‌خصوص بورس دارد. اما نکته حایز اهمیت در ایران، تمرکز بر بهره اسمی است. تا زمانی که بهره اسمی مورد بحث است، انتظار نمی‌رود که افزایش آن تاثیر منفی محسوسی بر بازار سرمایه داشته باشد. در واقع، این حرکت به سمت «بهره واقعی» است که اهمیت دارد. اختلاف قابل توجه میان بهره اسمی ۲۴ درصد و بهره واقعی که در بازار اوراق بدهی و تسهیلات بانکی مشاهده می‌شود (نزدیک به ۳۰ درصد یا بیشتر)، نشان‌دهنده یک شکاف عمیق است؛ بنابراین افزایش نرخ بهره اسمی به تنهایی، تاثیر کاهنده محسوسی بر بازار سرمایه نخواهد داشت. لازم است ملاحظات ویژه‌ای برای ایجاد نرخ بهره واحد در نظر گرفته شود. درست مانند آنچه در بازار ارز با تلاش برای تک‌نرخی شدن در حال پیگیری است (هر چند که خود بازار ارز نیز همچنان با چندگانگی نرخ مواجه است: نرخ مرکز مبادلات، نرخ ترجیحی کالاهای اساسی، بازار توافقی و بازار آزاد)، در بازار پول نیز نیازمند یک نرخ بهره واقعی و حقیقی هستیم.

برای خروج از این وضعیت، برخی اقدامات ضروری به نظر می‌رسد:

تعیین نرخ بهره واحد و واقعی: مدیران تولید باید بتوانند بر اساس یک نرخ بهره مشخص و قابل اتکا، طرح‌های کسب‌وکار و استراتژی‌های توسعه خود را تدوین کنند. ثبات و پایداری در نرخ بهره، برای راه‌اندازی صنایع جدید و سرمایه‌گذاری بلندمدت حیاتی است. کنترل نقدینگی و مکانیسم خلق پول: لازم است سازوکارهایی برای کنترل حجم نقدینگی و مدیریت مکانیسم خلق پول در نظام بانکی ایجاد تا از تورم فزاینده جلوگیری شود. اصلاح فرآیندهای اعطای تسهیلات: شفاف‌سازی و اصلاح فرآیندهای اعطای تسهیلات بانکی، به‌ویژه با نرخ‌های ترجیحی می‌تواند به کاهش رانت و افزایش کارایی نظام بانکی کمک کند. بی‌ثباتی مداوم در نرخ بهره و وجود نرخ‌های چندگانه، فضای کسب‌وکار را با ابهامات جدی مواجه ساخته و مانعی بزرگ بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری پایدار است. امید است با درک عمیق‌تر این مسائل، شاهد اصلاحات ساختاری در نظام پولی و بانکی کشور باشیم.

یادداشت-۱

دولت و مشارکت عمومی - خصوصی در مبارزه با پولشویی

مهرداد حاجی‌زاده فلاح

این روزها مشکلاتی چون کلاهبرداری‌های دیجیتال، پولشویی و سرقت اطلاعات یکی از چالش‌های جدی اقتصادهای مختلف در مواجهه با فناوری‌های نوین است. مشارکت عمومی - خصوصی (Public-Private Partnership) یا (PPP) در حوزه مبارزه با پولشویی، به یک سازوکار سازمان یافته، مستمر و مبتنی بر اعتماد میان نهادهای عمومی و بخش خصوصی گفته می‌شود که هدف آن تبادل قانونی اطلاعات، تحلیل مشترک ریسک و ارتقای توان شناسایی و مقابله با جرایم مالی است. به زبان ساده، دولت، واحد اطلاعات مالی، نهادهای نظارتی و ضابطان، اطلاعات و تحلیل‌های خود را با موسسات مالی و سایر بازیگران مرتبط، در چارچوب قانون و با رعایت محرمانگی، به‌اشتراک می‌گذارند تا پولشویی سریع‌تر و دقیق‌تر شناسایی شود. از این منظر دولت چهاردهم گام‌های بلند و ارزشمندی برای شناسایی کانون‌های فساد و پولشویی برداشته که بی‌تردید در ادامه منجر به بهبود شاخص‌های شفافیت مالی در اقتصاد ایران می‌شود. گروه ویژه اقدام مالی در گزارش جدید خود در ژوئیه ۲۰۲۶، PPP ها را ابزارهای مهم و پایدار برای مقابله با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی اشاعه دانسته و بر ضرورت وجود مبنای قانونی، حکمرانی روشن و فناوری مناسب تأکید کرده است. اما باید دید چرا این مدل اجرایی و نظارتی (PPP) در مبارزه با پولشویی اهمیت پیدا کرده است؟ در گذشته، مدل مبارزه با پولشویی عمدتاً به این صورت بود که در ابتدای زنجیره بانک قرار داشت سپس، شناسایی تراکنش مشکوک صورت می‌گرفت، گزارش‌های موضوع ارسال می‌شد و نهایتا بررسی موضوع توسط واحد اطلاعات مالی انجام می‌شد. اما ویژگی‌های امروزه جرایم مالی به این صورت است که اولات دیجیتال‌تر شده‌اند؛ سریع‌تر انجام می‌شوند؛ فرامرزی هستند؛ میان چند بانک و پلتفرم توزیع می‌شوند؛ از رمزارزها و فناوری‌های جدید استفاده می‌کنند و در نهایت با کلاهبرداری‌های اینترنتی و جعل هویت دیجیتال ارتباط دارند. در چنین شرایطی، هیچ بانک، صرافی یا نهاد دولتی به‌تنهایی تصویر کاملی از شبکه جرم ندارد. بنابراین فلسفه PPP این است که اطلاعات پراکنده را به یک تصویر جامع‌تر از ریسک و شبکه مالی مجرمانه تبدیل کنیم. پرسش مهم بعدی آن است که اعضای PPP را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟

۱) بخش عمومی: این حوزه ممکن است شامل: واحد اطلاعات مالی (FIU)؛ بانک مرکزی و نهادهای نظارتی؛ ضابطان قضایی؛ مراجع قضایی؛ سازمان مالیاتی؛ گمرک؛ نهادهای مسوول مبارزه با جرایم اقتصادی؛ نهادهای حفاظت از داده و حریم خصوصی باشند.

۲) خصوصی شامل: در این حوزه گزاره‌هایی چون بانک‌ها؛ موسسات اعتباری؛ صرافی‌ها؛ موسسات پرداخت؛ شرکت‌های FinTech؛ ارایه‌دهندگان خدمات دارایی مجازی (VASP)؛ شرکت‌های مخابراتی و پلتفرم‌های دیجیتال؛ برخی مشاغل و حرفه‌های غیرمالی مرتبط هستند. گزارش FATF در سال ۲۰۲۶ بر گسترش همکاری با موسسات مالی، VASP‌ها، بخش‌های غیرمالی و حتی بازیگران غیرسنتی مانند اپراتورهای مخابراتی و پلتفرم‌های دیجیتال تأکید ویژه دارد. با این توضیحات پرسش مهم بعدی از راه می‌رسد و آن اینکه روش اجرای کار در (PPP): به چه شکل است؟

۱- تبادل اطلاعات راهبردی: نهادهای عمومی اطلاعات کلی درباره موارد زیر را با بخش خصوصی به اشتراک می‌گذارند: روش‌های جدید پولشویی؛ الگوهای جرم؛ شاخص‌های هشدار؛ ریسک‌های نوظهور؛ روندهای کلاهبرداری؛ تهدیدهای جدید فناوری. این اطلاعات به بانک یا صرافی کمک می‌کند که سامانه‌های کنترل خود را به‌روز کند.

۲- تبادل اطلاعات عملیاتی: در برخی چارچوب‌های قانونی، اطلاعات مشخص‌تر برای بررسی پرونده‌ها یا الگوهای پرخطر میان بازیگران مجاز تبادل می‌شود. برای مثال، ممکن است همکاری برای بررسی موارد زیر انجام شود: شبکه‌های کلاهبرداری؛ حساب‌های واسطه‌ای یا Money Mule؛ شبکه‌های سازمان‌یافته پولشویی؛ -شرکت‌های صوری؛ -کلاهبرداری‌های دیجیتال. گروه ویژه اقدام مالی گزارش کرده است که بیش از ۷۵ درصد حوزه‌های قضایی مورد بررسی از PPP برای تبادل اطلاعات راهبردی استفاده می‌کنند و حدود ۵۵ تا ۶۶ درصد نیز سازوکارهایی برای تبادل اطلاعات عملیاتی دارند. اما باید توجه داشت که PPP با گزارش‌دهی عادی تراکنش مشکوک تفاوت‌هایی دارد و آن اینکه: برخلاف روش سنتی، همکاری دوطرفه بخش دولتی و خصوصی در مبارزه با پولشویی است که می‌تواند یک ارتباط هدفمند باشد. برای مثال: دولت اطلاعات مربوط به تهدیدهای جدید را ارایه می‌کند؛ بانک‌ها اطلاعات و تحلیل‌های خود را بررسی می‌کنند؛ نتایج تحلیل می‌تواند به درک بهتر شبکه مجرمانه کمک کند. بنابراین PPP صرفاً «ارسال گزارش» نیست؛ بلکه همکاری اطلاعاتی و تحلیلی ساختاریافته است.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای جدید PPP، شناسایی شبکه‌های پولشویی است. ممکن است یک بانک فقط یک حساب مشکوک را مشاهده کند، اما: بانک دیگر حساب مرتبط را داشته باشد؛ یک شرکت پرداخت مسیر دیگری را مشاهده کند؛ یک پلتفرم دیجیتال اطلاعات مرتبط داشته باشد؛ نهادهای عمومی اطلاعاتی درباره یک شبکه سازمان‌یافته داشته باشند. که می‌تواند، در حدود اختیارات قانونی، به ایجاد تصویر جامع‌تری از شبکه کمک کند. یعنی به‌جای بررسی یک حساب منفرد، امکان تحلیل ارتباطات و الگوهای شبکه‌ای بیشتر می‌شود. در عین حال مبارزه با کلاهبرداری‌های دیجیتال یکی از جدیدترین محورهای FATF است. کلاهبرداری‌های دیجیتال معمولاً بسیار سریع انجام می‌شوند. اگر اطلاعات میان بازیگران قانونی با تأخیر زیاد منتقل شود، ممکن است فرصت مقابله موثر از دست برود. گروه ویژه، در گزارش ۲۰۲۶ خود تأکید کرده است که PPPها می‌توانند برای مقابله با جرایم مالی در عصر دیجیتال و افزایش سرعت و پیچیدگی تراکنش‌های فرامرزی نقش مهمی داشته باشند. فناوری‌های جدید در PPP هم کاربرد فراوانی دارند. فناوری‌های مورد استفاده می‌تواند شامل موارد زیر باشد: پلتفرم‌های امن تبادل اطلاعات؛ کانال‌های رمزگذاری‌شده؛ تحلیل داده؛ تحلیل شبکه‌ای؛ هوش مصنوعی؛ کشف ناهنجاری؛ سامانه‌های هشدار سریع. گروه ویژه به‌طور مشخص به استفاده از پلتفرم‌های رمزگذاری‌شده و تبادل امن اطلاعات برای تقویت همکاری اشاره کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های PPP این است که چگونه اطلاعات لازم برای مبارزه با جرم را به اشتراک بگذاریم، بدون اینکه حقوق اشخاص و حریم خصوصی نقض شود؟

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۲

سناریوهایی برای بنزین

آلبرت بغزیان

افزایش قیمت بنزین پیش از این نیز در زمان مناسبی انجام نشده و تجربه آن نشان داده که انتخاب زمان نامناسب می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد. اکنون نیز که دوباره بحث تغییر قیمت بنزین مطرح شده، نباید صرفا به دلیل مشکلات موجود، هزینه سیاستگذاری‌های گذشته را بر دوش مردم گذاشت. اگر مساله مصرف بالای بنزین است، می‌توان از ابزارهایی مانند سهمیه‌بندی برای مدیریت مصرف استفاده کرد؛ اما اگر مساله قاچاق است، باید با قاچاق مقابله شود. اگر دولت معتقد است بنزین قاچاق می‌شود، باید جلوی قاچاق را بگیرد، نه اینکه برای حل مساله قاچاق، قیمت بنزین را برای مردم افزایش دهد. قاچاق بنزین در مقیاس گسترده نمی‌تواند صرفا با ابزارهایی مانند حمل مقدار کمی سوخت در ظروف انجام شود و اگر قاچاق گسترده وجود دارد، باید سازمان یافته باشد. در چنین شرایطی باید بررسی شود که این سوخت چگونه از مبادی مختلف خارج می‌شود و چرا با وجود نظارت‌ها امکان قاچاق وجود دارد. اگر دولت مشکل را قاچاق می‌داند، باید با قاچاقچی برخورد کند و نمی‌توان هر بار برای حل این مساله، هزینه بیشتری بر مصرف‌کننده تحمیل کرد. این مشکل مردم نیست که الان بنزین قاچاق می‌شود؛ این وضعیت نتیجه تغییرات نرخ ارز و اختلاف قیمت بنزین در ایران با کشورهای همسایه است. پایین‌تر بودن قیمت بنزین در ایران، در مقایسه با کشورهای همجوار، انگیزه قاچاق را افزایش می‌دهد؛ با این حال، راه‌حل این مساله نباید صرفا افزایش قیمت برای مصرف‌کننده باشد. اگر مساله مصرف بالاست، می‌توان از سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی استفاده کرد تا مصرف مدیریت شود و افراد به سمت استفاده بیشتر از حمل و نقل عمومی سوق پیدا کنند. اما نمی‌توان با افزایش قیمت، صرفا مصرف‌کننده را تنبیه کرد. در شرایطی که هزینه‌های دولت به دلیل جنگ افزایش پیدا کرده، درآمدها با مشکل مواجه شده، تورم وجود دارد و مردم نیز تحت فشار هستند، منطقی نیست فشار جدیدی از طریق افزایش قیمت بنزین به خانوارها وارد شود.

ادامه در صفحه ۳

بانک اقتصاد نوین
EN BANK

شماره ۱۴۰۵۳۰۴۰۰۹۰۱۰۹۴۸۹۰ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام بانک اقتصاد نوین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۹۴۶۰۱ و به شماره ثبت ۱۷۷۱۳۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ و مجوز شماره ۱۲۷۵۱۶/ ۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مجوز شماره ۰۵۹/۱۵۰۳۱۱۳/۱۰۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد

سرمایه شرکت از مبلغ ۲۴۳۱۴۵۱۱۹۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۹۸۰۱۴۵۷۷۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۲۹۸۰۱۴۵۷۷۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام عادی که مبلغ ۴۶۰۱۰۴۶۲۰۰۰۰۰۰ ریال از محل سود انباشته و مبلغ ۸۸۵۸۹۹۶۰۰۰۰۰۰ ریال از محل سایر اندوخته‌ها افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
۳۰۰۰۵۳۲۰